

بنام خدا

گیلان سرزمین ناشناخته

تاریخ قوم تالش

سید حسین موسوی

«گیل وارد. ح. م. عطا»

فهرست مطالب

۵.....	پیشگفتار.....
۱۱.....	فرگرد یکم:.....
۱۱.....	سکایان کیستند؟.....
۱۵.....	نژاد و زبان سکایان.....
۲۷.....	فرگرد دوم:.....
۲۷.....	تاریخ قوم تالش در دوران پادشاهی ماد.....
۳۴.....	نقش تاریخی تالش در دوره پادشاهی قوم ماد از نگاهی دیگر.....
۳۹.....	فرگرد سوم:.....
۳۹.....	نقش تاریخی تالش در دوران شاهنشاهی هخامنشی.....
۴۷.....	نقش ماساگتان سکائی تالش زبان در جنگ با کورش بزرگ.....
۵۶.....	نقش تالشان در دوران پادشاهی داریوش بزرگ.....
۷۱.....	بازگشت داریوش بزرگ به آسیا.....
۷۶.....	نقش سکایان گیلان زی (تالشان) در دوران پادشاهی خشایار شاه.....
۷۸.....	نقش تالشان در دوره پادشاهی اردشیر دوم.....
۸۰.....	گزارش پلوتارک از جنگ کوناکسا.....
۹۴.....	سفر جنگی اردشیر دوم به سرزمین تالشان.....
۱۱۰.....	تاریخ تالشان در دوره پادشاهی اردشیر سوم.....
۱۱۲.....	تاریخ تالشان در دوره شاهی داریوش سوم کودومان.....
۱۲۷.....	فرگرد چهارم:.....
۱۲۷.....	ستیز داهیان سکائی با گجستک اسکندر.....
۱۴۱.....	فرگرد پنجم:.....
۱۴۱.....	نقش تالشان در دوره سلوکی.....
۱۴۲.....	نقش تالشان در دوره پادشاهی اشکانیان.....
۱۴۹.....	تالشان در دوره ساسانیان.....

فرگرد ششم: ۱۵۱

نگاهی گذرا به زبان و ادبیات سانسکریت و اوستا و خویشاوندی تنگاتنگ ایندو

زبان و ادبیات با زبان و ادبیات تالشی ۱۵۱

فرگرد هفتم: ۱۶۹

نشانی از گیلان باستان در گائدها ۱۶۹

نقش «سوما» را در کیش مزدیسناى ایرانی ۱۶۹

نشانی از گیلان باستان در ریگ ودا ۱۷۱

www.ketab.ir

پیشگفتار

من سیدحسین مازندرانی، مخلص به «گیل مازد» ح. م «عطا» در روز سوم اسفند ۱۳۰۹ خورشیدی در خانواده روحانی در شهر رشت چشم به جهان گشودم پدرم سیدمحمد رضا فرزند شادروان آیت الله حاج سید حسین آقا مجتهد اهل رشت از دودمان سید شرف الدین گیلانی اهل تالش دولا ب نامور به «سوماسرا»^۱ شاعر سده هشتم هجری بود که نسب وی به حضرت مولا علی بن ابیطالب علیه السلام امام یکم شیعیان می رسد که این واقعیت بر مستند سنگ گور نیایم آیت... حاج سیدحسین آقا مجتهد واقع در آرامگاه خانوادگی ما مستقر در نبش تقاطع دو خیابان سردار جنگل و آیت... ضیابری رشت، نقش بسته و آرامگاه های سید شرف شاه در قلمرو شهرستان توالش و آرامگاه آیت اله حاج سید حسین آقا مجتهد در شهر رشت زیارتگاه مردم معتقد این دو شهرستان است مادرم شادروان سید کت خانم مجلسی فرزند مریم خانم امشهای و شیخ محمد تقی کودهی اهل یکی از روستاهای شهرستان «سوماسرا»^۲ بود. وی در کنار انجام وظایف روحانیت، اداره امور اقتصادی خانواده کثیرالعهده اش را منحصر از راه تجارت تأمین می نمود در مورد نسب خانوادگی پدرم می توان علاوه بر نبشتار گور نیایم^۳ به کتاب «نام ها و نامداران گیلان» شادروان جهانگیر سرتیپ پور

۱- صومعه سرا

۲- جلد پدری

که از رجال دانشمند و نامور گیلان بود و کتاب شادروان آیت‌اله «احسان‌بخش» برای آگاهی بیشتر مراجعه نمود. من پس از گذراندن دوران تحصیل ابتدائی در دبستان فاریابی رشت و دبیرستان ضمیمه دانش‌سرا و دبیرستان شاهپور در شهر رشت زادگاهم و خوش‌چینی از خرمن استادان نامدار ادب پارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران که در آن هنگام در حوالی میدان بهارستان پشت ساختمان وزارت ارشاد امروز قرار داشت. پس از ورود به دانشکده حقوق دانشگاه تهران و فراغت تحصیل در آن دانشکده در رشته قضائی، با دوشیزه‌ای از خاندان اصیل گیلان به نام «معصومه امیرحکیمی» پیوند ازدواج بستم. حاصل زندگی مشترک، مان‌ج فرزند برومند در عالی‌ترین درجه تحصیلات در درون‌مرزی و برون‌مرزی به نام‌های مان‌ج و ایلون موسوی و دکتر هیراد موسوی و هنگامه موسوی و هیلا موسوی و آتوسا موسوی هستند.

در پی فراغت از تحصیل و ورود به خدمت قضائی وزارت دادگستری نخست شانزده سال در زادگاه خویش به امر قضاوت اشتغال داشتم و سپس حدود پنج سال در سمت ریاست دادگاه استان آذربایجان خاوری و یکسال در سمت دادستانی کل استان آذربایجان باختری و حدود یکسال در سمت دادستان کل استان امشهان و کمتر از یکسال در سمت ریاست کل دادگستری های استان مردخیز کردستان بر من قضا و مدیریت تکیه داشتم. در دوران پس از انقلاب اسلامی در سمت بازرس بازرسی کل کشور و سه سال در سمت ریاست دادگاه تهران به انجام وظیفه پرداختم. پس از رسیدن به مرحله بازنشستگی از سوی وزارت دادگستری به عنوان «خرید خدمت» سه سال به نمایندگی از وزارت دادگستری در اداره دارائی استان مرکز به عنوان عضو حقوقدان به انجام وظیفه پرداختم از سال ۱۳۶۶ خورشیدی تا امروز در تن پوش و کالت دادگستری به انجام وظیفه در کنار عشق به پژوهشگری در راه نمایاندن تمدن ملل دنیای باستان به ویژه تمدن ملی و قومی خویش افتان و خیزان راه می سپرم. در این رهگذر تاکنون به انتشار گزیده سروده هایم در دو جلد تحت عنوان «گیلکمش ۱ و ۲»، نام ها و سروده های شاعران دوره باستان و کتاب اول از مجموعه کتاب هایم تحت عنوان گیلان سرزمین ناشناخته تحت عنوان "تاریخ کاسان" و کتاب حاضر "تاریخ تالشان" که دومین کتاب از این مجموعه است توفیق یافته ام، آثار منتشر

شده‌ام عبارتند از: "فلسطین در سیده‌دم تاریخ"، "خلیج پارس کجا و خلیج عربی کجا است؟" و کتاب‌های "تاریخ قوم مارد، تاریخ ماساگتان و تاریخ کوشانیان" از مجموعه گیلان سرزمین ناشناخته؛ رساله‌های تحقیقی من در مورد تاریخچه نوروز باستانی مستند به تاریخ خاستگاه این جشن ملی ره‌آرود مهاجران در کرانه‌های باختری دریای کاسان به سرزمین میان رودان و بابل و مراسم نوروزی در کشور هی‌تیان آریائی تبار در هزاره دوم و سوم پ. م و بازگشت این جشن ملی از طریق کورش بزرگ پس از فتح بابل در سال ۵۳۹ پ. م به شهر «س آرکاد» نخستین پایتخت هخامنشیان که هرودت این شهر را «پاسارگاد» خوانده است و همچنین تاریخچه چهارشنبه‌سوری و تاریخچه دریای کاسان در روزنامه اطلاعات، چاپ رسیده است. جا دارد در رابطه با شیوه نگارش کتاب‌ها، رساله‌ها و سخنرانی‌های من یاد آور شوم که شامگاهی در زیستگاه استاد ادیب برومند، در انجمن ادبی با مرد جوانی به نام آقای علی‌میرزا آشنا شدم. او دو اثر از آثار تاریخی مرد جوان دیگری را که دارای درجه «کرا» در تاریخ و از آشنایان وی بود به من داد. واز من خواست که دیدگاه‌های خود را در مورد آن دو اثر تاریخ که در مورد کورش بزرگ و داریوش بزرگ نوشته بود باز گویم. من با خوسرویی از پیشنهادش استقبال کردم. در آغاز دلیل استقبال من برانگیخته شدن حس کنجکاوی‌ام بود و می‌خاستم بدانم که صاحب این دو اثر، دیدگاهش در مورد نقل اکثریت قریب به اتفاق پژوهشگران در مورد هویت پیکر ایستاده مردی که در شهر پس آرکاد "پاسارگاد" را با آن تاج مصری که او را کورش و داریوش را گوومات (گئوماته) خوانده‌اند چیست؟ می‌خواستم بدانم نظر این جوان محقق، در این مورد از چه پایه و مایه‌ای برخوردار است؟ و به بیان روشن‌تر آیا در این معرکه به خود یک بندهای ۱۰ لغایت ۴۰ و ستون چهارم از بند ۱۴ و ستون پنج بند چهار از سنگ نبشته بزرگ بیستون منطبق با بندهای گزارش شده توسط هرودت (پدر برحق تاریخ) که جهت احراز صداقت و پیروی داریوش بزرگ در سراسر سنگ نبشته بزرگ بیستون و سواس گونه بر نفی و نفرت از دروغ‌گویی و احتراز از دروغ تأکید می‌کند، اشاره داشته یا نه؟

از دیدگاه ادبی قلم توانای این مرد جوان به همان اندازه که توجه مرا برای خواندن نوشته‌هایش به دنبال خود می‌کشید؛ اما انتخاب شیوه‌ای که آن مرد جوان در امر پژوهشگری

درپیش گرفته بود. و رونویسی‌های وی از محققانی همچون پی‌یر بریان فرانسوی و دنبال روی از دیدگاه‌های پژوهشگران به نام ایرانی از جمله آقای پور پیرار مدیر محترم نشریه کارنگ مرا نومید کرد. بدین لحاظ من از آن محقق جوان وسیله آقای علیرضا الف خواستم برای گفت در نشستی به یکدیگر مشاوره‌ای داشته باشیم سه سالی از پیام من به ایشان گذشت. ولی امکان گفت حضوری فیمابین یا حتی گفت و شنود تلفنی را با آن پژوهشگر با ذوق نیافتم.

تا همانگونه که من در پیشگفتار نخستین کتاب «گیلان سرزمین ناشناخته یعنی تاریخ گیلان» و در چاپ دوم گزیده سروده‌های خود تحت عنوان گیل گامش پادشاه اسطوره‌ای شهر اروک در سومر باستان در هزاره چهارم پ. م هویت او اشاره کرده‌ام. و ارتباط قلمی خود را با شاعران بزرگ همچون استاد سید حسین شهریار و استاد عبدالعلی ادیب برومند شاعر ملی ایران شتی. امفدو به خوانندگان این اثر شناسانده‌ام. و در این رابطه با داد و ستد سروده‌های خود با سرودهای این دو شاعر گرانقدر هم عصر خویش "چاپ کلیشه آن سروده‌ها به خط سراینده آن‌ان" که در مجموعه سروده‌هایم با عنوان گیلکمش به چاپ رسیده است. ارتباط ادبی خود را که گاهی خوانندگان گرامی در آن کتاب منعکس کرده‌ام. لزوماً با آن محقق جوان در میان بگذارم.

گیل مارد: ج. م «عطا»